



گرب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۲۷ اسفند ۱۳۸۹

۱۸ مارس ۲۰۱۱

مصطفی رشیدی

مصوبه جنایتکارانه در

۱۴ کلمه

بنا به مصوبه شورای عالی کار سطح حداقل دستمزد کارگران در ایران مبلغ ۳۳۰ هزار تومان در ماه تعیین گردید. به این ترتیب دولت حاکم افزایشی معادل ۹ درصد را برای دستمزد کارگران رقم زده است. چند ماه است قانون و مجاری قانونی را به خورد روزنامه نویسهای خود میدهند، چند ماهی را دنبال "کارشناسان" این پا و آن پا کردند تا "رقم دقیق تورم استخراج گردد"، این مدت را دنبال مذاکرات مستقیم باصطلاح نمایندگان کارگران و طرف حسابهای دیگر بازار کار، یعنی دولت و سرمایه داران خیمه شب بازی درآوردند تا دست آخر با ۳۳۰ هزار تومان سر و ته قضیه را بهم بیآورند. در همان ساعت اول انتشار خبر، رسانه ها مملو از اظهار نظرها و واکنشهای خشمگینانه موجب بگیران خانه کارگر و شوراهای اسلامی خود رژیم شد. با یک حساب سر انگشتی با این دستمزد تامین مایحتاج پایه زندگی یک خانواده کارگری جزو محاللات است. بقول یک کارگر حتی اگر همه خانواده کارگری نیمه یک سال را به خواب فرو برونند، باز هم دستمزد اعلام شده کفاف نان و مسکن نیمه دیگر سال را نخواهد داد!

در آن جامعه همه و بیش از هر کس وزیر کار و شورای عالی کار ایشان میدانند

صفحه ۴

حزب حکمتیست

جمهوری اسلامی، هراس از

کمونیسم

در حاشیه کمپین وزارت اطلاعات و روزنامه کیهان

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اینبار رسماً در شماره های ۳۰ بهمن و ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ روزنامه کیهان ارگان رسمی جمهوری اسلامی با امضای "حسین حسینی" به "بررسی" سیر رشد گروههای چپ مارکسیستی در دانشگاهها پرداخته است و ظاهراً قرار است در شماره های آتی این روزنامه ادامه یابد.

اینکه سه سال پس از سرکوب وحشیانه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب



در دفاع از داب و

کمونیسم

علیه کمپین جمهوری اسلامی

(بخشی از مصاحبه رادیو پرتو با رحمان حسین زاده)

رادیو پرتو: بعد از دو هفته مقدمه چینی کیهان شریعتمداری نشریه و سخنگوی پروازه سرکوب جمهوری اسلامی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را خطاب قرار داد و در هاله ای از ابهام و ابستگی این تشکل به احزاب خارج از کشور و اتهام به بر اندازی متهم کرده است. در این رابطه مصاحبه ای با رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست داریم. لطفاً ضرورت این واکنش حزب حکمتیست را توضیح

حزب حکمتیست

اعدام باید متوقف شود

در حاشیه کشتار زندانیان قزل حصار

زندانیان قزلحصار ساعت ۹ شب سه شنبه ۲۴ اسفند، زمانی که مطلع شدند ده نفر از هم بندبهایشان اعدام خواهند شد، با شعار اعدام باید متوقف شود دست به اعتراض زدند. در جواب این خواست انسانی و بر حق، زندانبانان، مزدوران مسلح، به قتل

شادباش سال نو به کارگران و مردم آزادیخواه ایران

رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست

از طرف حزب حکمتیست سال نو ۱۳۹۰ سال دیگری را پشت سر گذاشتیم. رژیم اسلامی سرمایه بازم با تحمیل ابعاد بیسابقه گرانی، با گسترش تعرض به

دوباره وزارت اطلاعات و ارگان آن به یاد "بررسی" و "افشاگری" علیه چپ و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و حزب حکمتیست می افتد بی دلیل نیست. وزارت اطلاعات و سران جمهوری اسلامی و روزنامه کیهان شریعتمداری میدانند که عریبه سردادن در مورد "نابود" کردن دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، تلاش برای ایجاد فضای رعب و وحشت، و همکاری با اینترپل علیه رهبری حزب حکمتیست، همگی تلاشهای مذبحخانه ای بیش نبوده است. "بررسی" امروزشان هم اساساً بیاتگر هراس آنها از نفوذ عمیق کمونیسم در طبقه کارگر و نسل جوان و مردم آزادیخواه، نشان هراس آنها از نفوذ پرچمی است که به قول نویسنده وزارت اطلاعات خواهان تغییرات بنیادی در

دهید؟
رحمان حسین زاده: واکنش ما ضروری بود به این لحاظ که جمهوری اسلامی در هراس از کمونیسم و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) و کل آن تاریخچه پرافتخار مبارزه رادیکال در این سالهای اخیر، کمپین راه انداخته، دوباره این را امروز بهانه کرده تا شمشیر را از رو ببندد، علیه کارگران و مردم و نسل جوان و دانشگاه و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران. دقیقاً متوجه این هست علیرغم اینکه جمهوری اسلامی به داب ضربه زد و فشار اعمال کرد، اما ایده هایشان و مبارزاتشان در سطح جامعه گسترده است و جمهوری اسلامی و کیهان شریعتمداری با تعرض به این جریان پرافتخار می خواهد تعرض کند به کل جامعه، به کل آزادیخواهی و برابری طلبی و به کمونیسم. لازم است که در

عام زندانیان پرداختند که طبق اخبار تا کنون بیش از یکصد نفر کشته و زخمی بر جای گذاشته است. این جنایت همزمان است با کشتار دهها زندانی در مشهد و کرج و...، که با فاصله کمی از جنایت قزلحصار اتفاق افتاد.

روسای جمهوری اسلامی و دادگاهها و حکام جنایتکار آنها، در توجیه کشتار زندانیان، هر بار از باند جنایت و قاچاقچی مواد مخدر و مجرمان جنایی سخن میگویند. میدانند که متأسفانه حساسیت جامعه در این موارد کم است، و

معیشت کارگران و اکثریت عظیم شهروندان و با تشدید سرکوب و خفقان، شادی فرارسیدن سال نو را به کامان تلخ کرده است، اما در مقابل، در مناسبت نوروز دوستانه دور هم جمع شدن، شادی کردن، گل و بهار را به خانه آوردن، جلوه دلپذیری از همبستگی و اتحاد

کارگران جهان متحد شوید!



جامعه است و به اصلاحات قناعت نمیکند و سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی را قدم اول خود در اینراه میدانند.

سران جمهوری اسلامی، زندانبانان و شکنجه گر و بازجو و قلم زن کیهانشان، امروز متوجه شده اند که در تحولات آتی ایران این نه سبز و جنبشهای ارتجاعی دیگر بلکه چپ و کمونیسم است که نقش ایفا خواهد کرد! فهمیده اند

صفحه ۲

مقابل این طرح جمهوری اسلامی محکم ایستاد و پرچم پر افتخار آزادیخواهی و برابری طلبی را که داب بر افراشت، برافراشته تر کرد.

رادیو پرتو: اگر مقداری به عقب برگردیم، آنچه علیه داب انجام دادند به یکی از سیاه ترین صفحه های جمهوری اسلامی تبدیل شد. همه چیز را تار و مار کردند. دسیسه چینی ها، سایت های جاسوسی، لجن پراکنی ها و شکنجه های شدید و همه اینها را انجام دادند. دیگه چه چیز دیگری برای جمهوری اسلامی باقی مانده که میخواهند انجام دهند؟

رحمان حسین زاده: ببینید، اینها با خطرات به مراتب بزرگتری روبرو هستند. امروز کل منطقه در یک گرداب تحولات به سر میبرد. و اینها نگران اند که این تحولات به ایران سرایت کند که به نظر من میکند. اینها نگران کل حاکمیت شان هستند. و در نتیجه

صفحه ۳

تشکیلات خارج حزب حکمتیست

شرکت در مارش برای آلترناتیو

شنبه ۲۶ مارس - لندن

صفحه ۲

همین باعث شده است که در سکوت بتوانند دسته دسته زندانیان را به جوخه های اعدام بسپارند.

مردم ایران باند جنایتکاران واقعی، فاسد، دزد و آدمکش، هرزه و

صفحه ۴

نوروز دوستانه دور هم جمع شدن، شادی کردن، گل و بهار را به خانه آوردن، جلوه دلپذیری از همبستگی و اتحاد

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمهوری اسلامی، هراس از....

که گذارهای سالهای ۶۰ و ۶۷، که اعدام های دسته جمعی، انقلاب فرهنگی در دانشگاهها و حصار اختتاقی که دور ایران کشیدند، که دستگیری و حبس رهبران و فعالین کارگری، و پاپوش دوزی و تلاش برای وصل کردن هر فعالیت کارگری و آزادیخواهانه به اسلحه و فعالیت نظامی، و سرانجام توطئه تروریستی برای رهبران حزب حکمتیست و...، نمی تواند خطر شیخ کمونیسم را از سر جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران بردارد.

"نویسنده" وزارت اطلاعات در این دو شماره، به مسائل متنوعی در مورد سیر رشد جریانات چپ و کمونیسم، نوع فعالیت آنها، نشریات و گروهانی که شکل داده اند، مطالبات و خواستهها و برنامه ای که داشته اند و نقش و تأثیری که بر فضای روشنفکری و سیاسی ایران و خصوصاً محیطهای دانشجویی داشته اند، پرداخته است.

بخش مهمی از بحث این دو شماره در مورد شکل گیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و از جمله نقش و تأثیر حزب حکمتیست در فعالیتهای این تشکل است. مستقل از حاشیه نویسی های دلخواهی این دو مطلب و ادعاهای پوچ و پرونده سازیهای همیشگی وزارت اطلاعات در مورد این پروسه، خود این دو نوشته به اندازه کافی در معرفی نسل جوان کمونیست در دانشگاههای ایران، پرچم و افق عمیقاً انسانی، شعار و مطالبات پیشرو این تشکل، گویا است.

بی تردید برای هر انسان شرافتمندی آشنا شدن با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، حتی از زبان وزارت اطلاعات، جز احساس سمپاتی و احترام عمیق به پرچم رادیکال و انسانی این جنبش را بوجود نخواهد آورد. جریانی که حتی شکنجه گران و آدم کشان حرفه ای جمهوری اسلامی، وقتی در ارگان "سیاسی" خود در موردش مینویسند، از پنهان کردن ماهیت عمیقاً انسانی و انقلابی این جریان عاجزند.

از ورای اعترافات کیهان در مورد دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب میتوان مانیفست نسل جوان کمونیست، که در مهمترین دانشگاههای ایران گسترش یافت و در مدت زمان کوتاهی موفق شد همه تشکلهای دانشجویی دست ساز رژیم از جمله تحکیم وحدت و بسیج دانشجویی و همزمان لیبرال و قوم پرست و ناسیونالیست را حاشیه ای کند، مانیفستی که پرچم آزادی و برابری و دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی، برابری زن و مرد و بیمه بیکاری و آزادی تشکل و اعتصاب و همسرنوشتی با جنبش طبقه کارگر را برای اولین بار در تاریخ ایران در دانشگاهها به اهتزاز درآورد، را دید! وزارت اطلاعات بیشتر از طریق

وبلاگهای این وزارتخانه، از جمله "دب تهران"، تلاش کرد با پرونده سازی و توطئه بر این تاریخ پر افتخار نسل جوان کمونیست طبقه کارگر ایران و حزب حکمتیست، این هسته محکم و متحزب کمونیسم طبقه کارگر ایران، با مهندسی انواع نقشه ها، هاله ای از غبار بکشد و ابهام بیافریند! این توطئه با هوشیاری حزب ما، با هوشیاری جوانان کمونیست و مردم آزادیخواه افشا و دود شد.

هنوز زمان زیادی از روزهایی که اعلام کردند که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب "نابود" شدند و "به گذشته" تعلق دارند، نگذشته است که امروز وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ناچار است مجدداً در ارگان رسمی خود علیه نسل جوان کمونیسم و حزب حکمتیست از زبان بخش "سیاسی" وزارتخانه خود، رسماً به حرف آید. اعتراف وزارت اطلاعات به نقش حزب حکمتیست در شکل دادن به چپ و کمونیسم در ایران، تنها نشان از هراس آنان از قدرت این حزب و کمونیسم و چپ و عروج مجدد آن در تحولات آتی ایران، دارد.

اینکه حزب حکمتیست در اشاعه کمونیسم، در شکل گیری محافل کمونیستی و کارگری در ایران و در شکل گیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نقش داشته است، مایه افتخار هر کمونیستی در ایران است. قلم زن وزارت اطلاعات به نقش رفقای از میان ما، از جمله کورش مدرسی و بهرام مدرسی اشاره دارند. صرفنظر از توطئه کثیف و پلیسی وزارت اطلاعات علیه رهبری حزب ما، در جامعه و در میان طبقه کارگر، نقش و تأثیر این رفقا نمیتواند مایه احترام عمیق نباشد. حزب حکمتیست به نقش خود، و بویژه این رفقا در سیر شکل دادن به کمونیسم متشکل در دانشگاههای ایران و در میان طبقه کارگر، افتخار میکند.

حزب حکمتیست تاریخ دوره اخیر چپ دانشجویی، اتحاد دهها هزار دانشجو زیر چتر دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را با افقی عمیقاً انسانی، دوره پر افتخاری از تحریکات انقلابی ایران و صفحه ای زرین از تاریخ جنبش آزادیخواهی طبقه کارگر و نسل جوان و خود میداند. حزب حکمتیست نه تنها به نقش و تأثیر خود بر فضای روشنفکری و شکل گیری محافل کمونیستی در میان طبقه کارگر و در میان نسل جوان، افتخار میکند، به ذره ذره تلاش بی دریغ همه کسانی که در این تاریخ نقشی داشتند، به تلاش همه فعالین این حرکت از رهبر دانشجویان تا هر فعال دانشجویی، هر جوان آزادیخواه و هر زن و کارگر کمونیستی، مستقل از میزان دوری و نزدیکی با حزب ما، عمیقاً ارج میگذارد.

جمهوری اسلامی با این اقدام، با

"وصل" کردن اسلحه و "براندازی"، به تحریکات عمیقاً انسانی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، تلاش میکند مانع اتحاد کمونیستها در کارخانه و دانشگاه و محلات شود. این پرونده سازیها قرار است فعالیت کمونیستی را به کنج خانه ها ببرد، کار وسیع اجتماعی و سازماندهی وسیع توده ای در میان طبقه کارگر و دانشگاه و محلات با افق و پرچم کمونیستی را "ناممکن" اعلام کند! و هر نوع ارتباط با حزب ما را "امنیتی" و "خطرناک" قلمداد کند. فارغ از اینکه تا امروز این اقدامات، در کنار سایر پرونده سازیها علیه ما و از جمله دادن اسامی اعضای رهبری حزب ما به اینترپل، در میان میلیونها انسان متنفذ از جمهوری اسلامی، تنها اعتماد و سمپاتی به ما را افزایش داده است.

جامعه ایران با طبقه کارگری وسیع، با از سر گذراندن دو انقلاب، با صف بندیهای روشن و شکل گیری جنبشهای سیاسی کمونیستی و بورژوازی که هر دو به منافع بلند مدت خود اگاه اند، نمیتواند بیش از این از کمونیسم خود محروم باشد. پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی، مطالبات و منشور و مانیفستی که چند سال قبل در دانشگاهها و از جانب نسل تحصیل کرده طبقه کارگر به اهتزاز در آمد، و فضای سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داد، این بار باید در دل اعتراضات کارگری و به عنوان الهام بخش رهانی طبقه کارگر نمایان شود. این افق و پرچم این بار با شکل دادن به محافل کارگران کمونیست، با بالا بردن خودآگاهی طبقه کارگر، با کاستن انشقاق و پراکندگی در میان این طبقه و در دل مبارزات روزمره کارگران برای بهبود زندگی و بر بستر تشکل یابی این طبقه، کل بورژوازی ایران را به مصاف خواهد طلبید و نویدبخش رهانی کل جامعه و سرنگونی کامل جمهوری اسلامی خواهد شد.

تجربه نسل جوان کمونیست و تجربه

چند دهه فعالیت کارگری کمونیستی در ایران، امروز که فضای انقلابی کل خاورمیانه را فرا گرفته است و موجی از شادی و سرور را برای کارگران و زنان و جوانان و همه ستمدیدگان در ایران هم به ارمغان آورده است، نمیتواند در میان طبقه کارگر محور اتحاد این طبقه، محور خودآگاهی و تشکل آن و محور شکل گیری انواع محافل کارگران کمونیست نباشد.

اگر سران جمهوری اسلامی فکر میکردند بعد از سرکوب نسل جوان کمونیست در دانشگاههای ایران، بعد از بستن دهها نشریه، وبلاگ و بعد از دستگیری صدها انسان انقلابی و کمونیست جوان در ایران، و بعد از شکنجه و زدن و بازجویی کردن فعالین آن حرکت، خطر را دفع کرده است، اگر عروج جنبش ارتجاعی سبز بدنبال و بر بستر آن سرکوب را، پیام آور اتمام آن پروسه میدانستند، امروز ورق برگشته است و تاریخ همه اینها به پایان رسیده است. آنچه در آن سالها در ایران و در مراکز دانشگاهی با هر فراز و نشیبی روی داد، پیش درآمد دوره نوینی در تاریخ کمونیسم ایران است، که فردا مرکز ثقل آن در مهمترین مراکز تولیدی و صنعتی ایران، در مهمترین مراکز کارگری و در میان پروولتاریای صنعتی ایران عروج خواهد کرد.

کیهان شریعتمداری هراس جمهوری اسلامی از رشد و عروج کمونیسم متشکل در تحولات آتی را نشان میدهد. حزب حکمتیست به استقبال این تحولات میرود و با تمام توان خود تلاش خواهد کرد در کنار همه کمونیستهای طبقه کارگر، و در کنار نسل جوان برابری طلب، قدرتگیری و پیروزی این کمونیسم را متحقق کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۶ مارس ۲۰۱۱

شرکت در مارش برای آلترناتیو

شنبه ۲۶ مارس - لندن

به دعوت TUC کنگره سراسری اتحادیه های کارگری بریتانیا روز ۲۶ مارس تظاهرات سراسری در اعتراض به قطع خدمات اجتماعی و حمله وسیع دولت دست راستی بریتانیا به سطح معیشت مردم در لندن برگزار میشود.

سازمانهای دانشجویی، نهادها و کمپین های علیه قطع خدمات اجتماعی از این تظاهرات حمایت کرده و در آن شرکت خواهند کرد.

۲۶ مارس لندن شاهد حضور صدها هزار نفر کارگر، دانشجو، بیکاران و مردم معترض به حمله وحشیانه بورژوازی به زندگی و معیشت میلیونها انسان در بریتانیا خواهد بود.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ضمن حمایت از این فراخوان در این مارش شرکت میکند و همراه کارگران، دانشجویان و مردم معترض بریتانیا علیه تعرض وسیع دولت کامرن - کنگ می ایستد.

زنده باد همبستگی کارگری تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

در دفاع از داب و کمونیسم....

تصمیم گرفته اند که به هر قیمتی شده جامعه را مرعوب کنند تا نظامشان را حفظ کنند. اما کور خوانده اند! دوره امروز مثل سال های ۶۰ نیست. ورق و اوضاع در سطح جهانی و منطقه و خود ایران برگشته است. رژیم هایی چون بن علی و مبارک نتوانستند خودشان را حفظ کنند هر چند که در ایران سیر تحولات پیچیدگی های خودش را دارد، اما اینها هم زیر ضربند و زیر فشار. فکشان را کرده اند که باید از الان شمشیر را از رو بست و سرکوب کنند. در نتیجه همانطور که از نوشته کیهان پیداست دانشگاه از کانونهای مبارزه است. به قول شما همه قلع و قمع ها را کردند و فشارها را به داب و کمونیسم در دانشگاه آوردند اما همه اش ۲ سال گذشته و آزادیخواهی و برابری طلبی دوباره دارد در دانشگاه و جامعه خودش را سروسامان میدهد. حق طلبی و برابری طلبی در آن جامعه قوی است و در نتیجه ظاهرا از همین ابتدا میخواهند گارد محکمتری در پیش بگیرند.

راديو پرتو: اگر ۲ سال قبل آستانه سرکوب توسط جمهوری اسلامی را بخاطر بیارید تحکیمی ها و اصلاح طلبان دست دراز کرده بودند برای جمهوری اسلامی که در مقابل هژمونی چپ در دانشگاه کاری بکند. آیا چیز مشابهی مثل سبز امروز میتواند در اینباره صدق کند؟

رحمان حسین زاده: همانوقت تحکیم وحدت و امروز جریان سبز همیشه سویاپ اطمینان جمهوری اسلامی در دانشگاه ها بودند. آنوقت با موج آزادیخواهی و برابری طلبی چپ در دانشگاه ارکان نظامشان را در خطر میدیدند و دست همکاری به سوی جمهوری اسلامی دراز کردند و اتفاقا جمهوری اسلامی به دانشان رسید و داب را سرکوب کرد. اتفاقا بر بستر این سرکوب بود که تحکیم وحدت دریکی دوسال اخیر دوباره خودی نشان داد. و دانشگاه بر بستر این اختناق به سمت سبز چرخید. در نتیجه اینها سرکوب چپ و داب را میخواستند. جمهوری اسلامی این کار را کرد اما حقیقت این است که خود نظامشان الان مشغول بلعیدن بخشی از خودش است. جمهوری اسلامی خوب میداند که حفظ نظام در گرو حتی سرکوب نق زندهای سبزها نیز میباشد. در نتیجه الان خود تحکیمی ها و سبزها زیر فشار خود این نظام حاکم قرار دارند. با این وجود سبز و تحکیم وحدت وجود خود را در عدم وجود داب و چپ و کمونیستها میدانند و به این اعتبار با نظامشان همسویند و در مقابله با گسترش آزادیخواهی و برابری

طلبی دست اتحاد به سوی نظامشان دراز میکنند. به هر حال وقت خودش این جریانات از سرکوب داب حقیقانه نفع خودش را بردند.

راديو پرتو: سؤال بعدی این است که وقتی خود مقاله کیهان را نگاه میکنید بحث "بررسی" را میکند که شاید خالی از لطف نباشد که داب را با دقت مورد ارزیابی قرار میدهد و شاید آنها را آگاهانه به اتهامهایی هم منتسب میکند که زیاد واقعی نیست، منتها تصویری که میدهد میتواند کسی را جلب خود کند از جمله منشور آزادیخواهی و برابری طلبی و شعارهای رادیکال آنها. فکر نمیکنید که شاید واکنش شما الان کمی عجولانه است؟ از کجا معلوم که این ارزیابی برای سرکوب های بعدی است؟

رحمان حسین زاده: اگر این تک مقاله را نگاه کنید فکر میکنم که هر انسان شرافتمندی در جامعه ایران باید سمپاتی عمیق به داب نشان دهد. مثلا نوشته حقوق جهانشمول انسان برنامه داب بوده است و هر کسی که این برنامه را بخواند عمق انسانیت این جریان را میبیند. منشور سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به آنها منتسب کرده که بنظرم هر کسی آن را نگاه کند راه واقعی و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در آن میبیند. و به هر حال دفاعشان از طبقه کارگر ایران، زنان و جوانان آن مملکت که ضرربرد کانون ها و نهادهای آزادیخواهانه، و این نوشته مجبور به ادعان به آنها شده است. هر آدم حق طلبی که این را ببیند میگوید که اینها انسانیت و رفاه و برابری را خواسته اند. نجات جامعه را از ظلم و ستم خواسته اند و در نتیجه حتما به آنها سمپاتی جلب خواهد شد. تا اینجا مقاله شاید خالی از لطف نباشد. اما کمپینی که کیهان شریعتمداری و جمهوری اسلامی در حال راه اندازی آن است از الان معلوم است که دارد پرونده سازی میکند. میخواهند دنبال هر کسی را که به نوعی با داب تداعی شده بگیرند. همانطور که خودتان مطلعید در آندوره

تعداد زیادی از دابی ها زیر شکنجه و به زندان افتادند. آنها را به اعترافاتی مجبور کردند که شاید کیهان فردا پس فردا با وقاحت تمام از این اعترافات علیه چپ و داب یاد کند. اما این ترغندها سوخته است. من از اینجا اعلام میکنم که همه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب که در آندوره در آن حرکت نقش داشتند جزو مبارزین پر افتخار آزادیخواه و برابری طلب علیه کثافت جمهوری اسلامی بودند، کارنامه این مبارزین قابل دفاع است و این سیاه کاری های جمهوری اسلامی نزد مردم حق طلب رسوا تر از این حرف ها

است. صف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی ایران از مبارزینش، از شکنجه شده ها و تبعیدی هایش و حتی آنها که زیر شکنجه جمهوری اسلامی مجبور شدند بر خلاف عقایدشان صحبت کنند، بی ابهام دفاع میکند و ما آنها را جزو مبارزین رادیکال و برابری طلبی میدانیم که علیه جمهوری اسلامی متشکل شدند، سازمان دادند و ایستادند. جمهوری اسلامی با این ترغندهای افشا شده سی ساله اش نمیتواند گریبان خود را از تحرک اعتراضی که در انتظارش است، خلاص کند.

راديو پرتو: به عنوان آخرین سؤال، شما چه اهدافی را از واکنشی که در مقابل کیهان شریعتمداری نشان دادید تعقیب میکنید؟ به نظر شما چگونه میشود سنگر بست؟ انتظارتان از اپوزیسیون و مابقی که میتوانند با شما علیه این پروژه جمهوری اسلامی شریک شوند چیست؟

رحمان حسین زاده: مسئله این است که این دسیسه جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن جامعه را باید دید و یکبار دیگر باید به شکست کشاند. این وظیفه هر انسان آزادیخواهی است. وظیفه نیروهای اپوزیسیون و از جمله چپ است که جمهوری اسلامی را نمیخواهند. این پروژه حرکتی نیست که تنها متوجه عده ای باشد، بلکه پرونده سازی در مقابل حق طلبی و برابری طلبی در جامعه ایران است. هر نیرو و هر جریانی که منفعتی در ادامه عمر جمهوری اسلامی ندارد، وظیفه دارد در مقابل این ترغند بایستد و از آزادیخواهی و برابری طلبی و داب دفاع کند. جمهوری اسلامی و "سران سپاه" اعلام کرده اند، سال آینده را به سال "خونین" تبدیل میکنند. این گوشه ای از آن برنامه است و گریبان جامعه و هر نیروی ضد جمهوری اسلامی را میگیرد. باید در مقابلش ایستاد.

برنامه ما مقابله صریح با این پروژه سرکوبگرانه است و باید آن را افشا و به شکست کشانید. ما از طبقه کارگر ایران، از مردم آزادیخواه و نیروی های چپ و از کمونیستها و از همه نهادهای مدافع حقوق انسان می خواهیم که کمین کیهان و جمهوری اسلامی را متوجه شوند و در مقابلش بایستند. آگاهانه باید به استقبال دوره جدید رفت و در عین حال توطئه سرکوب و تیغ زنی جمهوری اسلامی را خنثی کرد. دوره متشکل شدن، متحد شدن و متحزب شدن حول سیاست آزادیخواهانه و برابری طلبانه و کمونیستی در جامعه است. آزادیخواهان و برابری طلبان پیشقراول این امر اند از جمله در دانشگاه ها.

شادباش سال نو به کارگران و...

و همسروشستی ما، در برابر این رژیم ضدشادی و ضد آزادی را موجب میشود. شادی روزهای نوروزی را قدر بدانیم و زندگی را با آن طراوت تازه ببخشیم.

در سالی که گذشت کماکان کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان با حکومت مدافع سرمایه جانیان اسلامی، دست و پنجه نرم کردند. صف اعتراض آزادیخواهانه و برابری طلبانه در تناسب قوایی بسیار نامساعد در جدال با حاکمان سرمایه و جمهوری اسلامی در کشمکش بود. از حقوق خود دفاع کردیم و در نبردی نابرابر سختیها و عقب نشینیهایی را هم متحمل شدیم. بیش از پیش از دو جناح جمهوری اسلامی و جنبش بورژوازی و ارتجاعی سبز فاصله گرفتیم. ما کارگران و مردم آگاه این درس را گرفتیم که نباید به گوشت دم توپ کشمکش جناحهای بورژوازی و جمهوری اسلامی تبدیل شویم.

کارگران ، مردم آزادیخواه !

در شرایطی به سال ۱۳۹۰ ما میگذاوریم که خاورمیانه و کشورهای عربی تحولات عظیم و بزرگی را تجربه کرده و میکنند. بار دیگر انقلاب کارگران و مردم و اعمال اراده مستقیم توده ای حاکمان مستبد و ضد مردم را در تونس و مصر به زیر کشید. تا هم اکنون عقب نشینیهای بزرگی به بورژوازی و دولتهای ارتجاعی منطقه تحمیل شده است. چشم انداز تاثیرات این تحولات بر ایران مایه هراس سران جمهوری اسلامی و مایه امید ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است. این اوضاع را باید دریابیم و با آمادگی به استقبال تحولات احتمالی آتی برویم. باید اینبار آگاهتر، متحدتر، سازمانیافته تر و قدرتمندتر به میدان بیاییم. با اتکا به صف متمایز آزادیخواهی و برابری طلبی، حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی را به مصاف بکشیم. سال آینده را به سال اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر حول پرچم آزادی و برابری تبدیل کنیم.

بار دیگر در سال جدید، برایتان شادی پایدار آرزوی منم.

اسفند ۱۳۸۹ - مارس ۲۰۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مصوبه جنایتکارانه در ...

روشنی از افزایش قیمت اقلام اساسی بسیار فراتر از پارانته نقدی پرداخت شده را عیان ساخته است. سال بعد با نقشه دولت در گسترش اجرای طرح در زمینه برق و آب و حمل و نقل شهری، دارو و اقلام دیگر، ابعاد گرانی همه مرزهای کمرشکن تاکنونی را فرسنگها پشت سر خواهد گذاشت. به این ترتیب خیلی سراسر است و ساده، دولت جمهوری اسلامی یکبار دیگر وظیفه پر افتخار خود یعنی راندن و تضمین زندگی طبقه کارگر در زیر خط فقر به اجرا درآورده است. این یک بازی جنایتکارانه با زندگی بخش اصلی شهروندان آن جامعه، یعنی کارگر و مردم زحمتکش است.

مصوبه شورای عالی کار، مصوبه ای در ۱۴ کلمه است. این مصوبه بیان فشرده یک سیاست مهم دولت و کل حکومت جمهوری اسلامی است. آنرا باید جدی گرفت. این سیاستی است که به همه بخشهای کارگری، به کل جامعه مربوط است. حکومت فاخره سرمایه داران با زبان سلیس و روشن و با وقاحتی بی انتها رو به طبقه کارگر کرده و شکم سیر و رفاه و خواب و استراحت و آرامش و تفریح و لذت از زندگی و سلامت را بر آنها حرام و ممنوع اعلام نموده است. این حکومت از کارگر میخواهد باز هم بیشتر کار کند، اضافه کاری را بجان بخرد، به هر کار سختی تن بدهد، این حکومت از کارگر میخواهد جان بکند، باز هم فقر و محرومیت را هضم کند. این حکومت از کارگر میخواهد با فرسودگی و سوء تغذیه و بیماری و طول عمر کمتر در نسل فعلی و بعدی خود کنار بیاید. این حکومت از کارگر میخواهد با تباهی های اجتماعی، با کار کودکان، اعتیاد و استیصال عجیب با بیکاری جوانان، با فحشاء، با پدیده های نجات زندگی از راه فروش کلیه خو بگیرد. کارگر میتواند

کار کند، اگر کار نبود انتظار بکشد، دعا کند و اگر نخواست سرش را بگذارد و بمیرد. در این حکومت اگر از حق و شایستگی خبری نباشد، کارگر هنوز میتواند دست کم از قیر و جای خاکسپاری برخوردار باشد: زنده باد جمهوری اسلامی!!

جمهوری اسلامی امیدوار است که طبقه کارگر در ایران از فشار فقر و بی پناهی موجود، از ترس بیکاری و برای حفظ معیشت موجود خود به سیاست فعلی دستمزدها تن داده و اینکه منجلب بیکاری کماکان تفرقه را میان کارگران شاغل و بیکار تداوم خواهد بخشید. این حکومت بر روی سرکوب گسترده و لجام گسیخته خود در محیطهای کارگری حساب باز کرده است. این سیاست فاشیستی، ضد انسانی و غیر قابل قبول است. نسل کشی است. باید در مقابل آن صف بست.

مصوبه شورای عالی جمهوری اسلامی نزد کارگران پیشیزی ارزش ندارد. اینها نه نماینده کارگران هستند و نه تصمیم مصوبه شان نزد کارگران از رسمیت برخوردار است. بر عکس، خود این مصوبه سنگر کاملا مناسبی را باز کرده است که بتوان دولت و کل حکومت را به همورد طلبید. از همین امروز دلیل کاملا موجهی باز شده است که در کارخانه ها جمع شد، در اجتماعات کوچک و بزرگ مصوبه و مسئولان را به سیخ کشید. مگر نه اینستکه خود قانون محترم مدعی است که باید سطح تورم در تعیین دستمزد کارگران محاسبه گردد؟ مگر قرار نیست دستمزد تعیین شده کفاف زندگی یک خانوار کارگری را بدهد؟ مگر نه اینستکه سرمایه داران تا ریال آخر تورم و مخارج و نتایج پارانته ها را در کالاهایشان منظور میکنند؟ مگر نه اینستکه حتی ارگانهای رسمی دولتی در کارخانه ها، شوراهای اسلامی هم دست

کشتار قزل حصار در کنار دهها هزار پرونده قتل و آدم کشی دیگر، گوشه ای از تاریخ پر از خون و جنایت جمهوری اسلامی است. آنچه در قزلحصار اتفاق افتاد، اگر چماق سرکوب و اختناق نبود، برای به زیر کشیدن هر قدرت و حکومتی کافی بود. جمهوری اسلامی تنها و تنها با اتکا به ماشین کشتار خود، بر متن دنیای سیاهی که بر بشریت تحمیل شده است، و در حمایت میدیای نوکر و دولتهای فاسدی که ابتدایی ترین حق و عدالت را فدای سود آوری و روابط کثیف مالی - اقتصادی میکنند، تا امروز ماندگار شده است.

مردم ایران، تا روزی که جمهوری اسلامی بر سرکار است، روی خوشی و شادی را نخواهند دید. پایان دادن به جنایت و اعدام و کشتار، خاتمه دادن به

که خط فقر حداقل یک میلیون تومان در ماه است. دولت مردان آن رژیم همانقدر که روزنامه ها را سرسری ورق بزنند، میدانند که نیمه آن جامعه و کارگران بخش بزرگی از آن، زیر خط فقر با معضل جانکاه تامین زندگی دست بگریبانند. بعید است حضرات حاکم ندانند زندگی هفت میلیون کارگر شاغل و خانواده آنها بدون کوچکترین حفاظت و تنها به دستمزد فکسنی اعلام شده گره خورده است. بیکاری با میزان بالای ۲۰ درصد رمق کارگران را کشیده است. از بیمه بیکاری و تامین زندگی خبری نیست. تازه باید به خاطر آورد که حتی روی کاغذ و علنا و قانونا این سطح حداقل اعلام شده از هیچ تضمین اجرایی برخوردار نیست. قراردادهای سفید و موقت راه را برای مطالبه همین رقم اعلام شده تنگ کرده است. خود قانون رسماً سیاه بر سفید، میلیونها کارگر مراکز تولیدی کوچک و رشته هایی همانند کارگران ساختمانی را از دایره شمول مصوبات شورای عالی کارشان خارج ساخته است. چه کسی انتظار داشت که این حکومت وظیفه دفاع از معیشت پایه کارگر را بعهده بگیرد؟ چنین مزخرفی را حتی از زبان سران شوراهای اسلامی نمیتوان شنید. اما مساله به همین جا ختم نمیشود.

بانک مرکزی خود حکومت رقم رسمی تورم در بهمن ماه سال جاری را ۱۱ درصد اعلام و افزایش بیشتر در راه را پیش بینی کرد. مطابق محاسبات سرانگشتی مراجع متعدد رقم تورم در سال بعد حداقل بیست درصد خواهد بود. گرانی کمر شکن مسکن از هیچ حساب و کتابی تبعیت نکرده و حوالی سی درصد کماکان نوسان خواهد داشت. هدفمند کردن پارانته ها جای پای

ادام باید متوقف ...

اوباشی که منشا ناامنی و فساد در جامعه اند، را به خوبی در چهره تک تک سران رژیم، تشخیص میدند. این اعدامها قرار است این واقعیت را بپوشاند.

دادگاه و حکامی که سه ده است جنایت و کشتار بیش از صد هزار انسان را اجرا کرده اند، کسانی که صدها هزار انسان را به میدان مین و جنگ و جنایت فرستاده اند، کسانی که صدها هزار انسان را در فقر و محرومیت و بی داروئی و بی خانمانی، به مرگ محکوم کرده اند، امروز بر صندلی "قضاوت"، نشسته اند و هر روز جمعی را اعدام میکنند.

نشوبه حزب کمونست کارگری
حکمنیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونست را بخوانید
کمونست را بدست کارگران برسانید
کمونست را تکثیر و توزیع کنید
به کمونست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم